

بسمه تعالی

عنوان: مصادیق و ثمرات قناعت در زندگی خانوادگی از نظر آیات و روایات

نازیلا سارانی^۱

مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها)^۱

چکیده:

موضوع این پژوهش با عنوان قناعت از دیدگاه آیات و روایات، به بیان جایگاه قناعت در قرآن و سنت و نقش آن در زندگی میپردازد. هدف کلی از این تحقیق، آشنا شدن با حقیقت قناعت و صرفهجویی در نگاه اسلام و اصلاح نگرشهای نادرست نسبت به آن و ارائه راه کارهای مناسب در این زمینه میباشد. در این مقاله مباحث و مصادیق قناعت و آثار مثبت و منفی آن در خانواده بیان میشود و در تحقیق حاضر به روش بنیادی توصیفی به جمعآوری اطلاعات کتابخانهای از منابعی چون قرآن و کتب روایی و... پرداخته شده است. نتایج حاصل از این قرار است: ۱- در کلام الهی و در روایات به قناعت توصیه شده است. ۲- اصناف مختلف مردم از جمله رهبران جامعه اسلامی و کارگزاران، خانوادهها، ثروتمندان و فقرا موظف به رعایت قناعت و اعتدال هستند ۳- قناعت در اموال عمومی و بیتالمال، قناعت در منابع طبیعی، قناعت در امور معیشتی، در خوراک و پوشاک، مسکن، وسایل نقلیه، لوازم زندگی، قناعت در انفاق و اعتدال در عبادت، استفادهی مطلوب از عمر و به طور کلی قناعت و اعتدال در همهی امور از جمله مصادیق قناعت محسوب میشوند. ۴- آثار صرفهجویی قناعت و ثمرهای ارزشمند آن شامل قناعت و حیات طیبه، خردمندی، آرامش درونی، شکر و سپاسگزاری، عزت نفس، پاکدامنی و... میباشد. ۵- حب دنیا و جهل و نادانی نسبت به عواقب شوم قناعت و اموری چون حرص و طمع اسراف است. ۶- ترویج فرهنگ قناعت و صرفهجویی از طریق آموزش مردم، سیاستگذاری کاربردی مناسب، پیشگامی مسئولین، پرهیز از تجمل و سنتهای نادرست و... از راههای تحصیل کلمهی قناعت میباشد.

واژگان کلیدی: قناعت، کفاف، صرفه جویی.

مقدمه:

قناعت کردن در زندگی و با اندک و چیز کم قانع بودن و به سادگی «ساده‌زیستی» خو کردن و به اندازه نیاز و قدر کفایت و ضرورت ساختن و صرفه‌جویی نمودن در هر گونه مصرف اموال و سرمایه‌ها و قدر کفایت و نعمتهای مادی و معنوی و در سایر مخارج و مصارف زندگی، و نیز بهره‌برداری و استفاده از آنها و رعایت صحیح الگوی مصرف در هر زمینه‌ای، ضمن اینکه مورد تمجید و ستایش و تأکید و سفارش دین است و محبوب و مطلوب خداوند و از سنتهای الهی و آداب اسلامی و تعلیم پیامبران بزرگ آسمانی است و سیره‌ی اولیای دین و ائمه معصومین علیهم‌السلام میباشد، یک وظیفه انسانی و عقلی، وجدانی و اجتماعی و حتی یک ضرورت و تکلیف دینی و شرعی محسوب میشود، برای افراد با ایمان و متکمن و معقول و کسانی که دارای ثروت و توازن مالی فراوانی هستند، یک «وظیفه» شرعی و ملی و اساسی و یک خصلت خوب و پسندیده و کاری با فضیلت و مؤکد و از اصول اجتماعی و فرهنگی آنان میباشد. و مولای متقیان علیه السلام فرموده: «عَلَيْكُمْ بِالْقَنَاعَةِ» (میزان‌الحکمه، ج ۸، ۱۳۸۵، ص ۲۷۹). بر شما باد به قناعت کردن و رعایت آن در همه امور (رستگار جویباری، قناعت از نگاه امیرالمؤمنین، ۱۳۸۹، ص ۳۹).

همانگونه که میدانید، اسلام دین کامل و جامعی است و برای تمام شئون زندگی انسان طرح و برنامه است. و میدانیم که خداوند متعال انسان را از قوای عقل، غضب و شهوت آفریده و با توجه به این قوا برای او و در مسیر تکاملیاش دستور و برنامه زندگی را از طریق پیام آورانش اعلام کرده، تا انسان با عقل خویش و به مدد پیامبران بتواند زندگی سعادت‌مندی داشته باشد. و این قناعتی است که به رعایت آن در زندگی فراخوانده شدیم، یعنی اکتفا کردن به حد متعارف زندگی براساس معیارهای دینی، و پرهیز از تجملگرایی و دوری از شکوه و گلایه از وضعیت موجود.

اینکه گفته شد، هرکسی در این دنیا سهمی دارد، درست است؛ این یعنی تلاش در حد توان و متعارف برای به دست آوردن روزی حلال، با توکل و امید به رزاقیت خدا و نهی از ثروتاندوزی بی حد و اندازه. در این راستا است که قناعت معنا پیدا میکند، چراکه انسان مأمور به کار و تلاش است و روزی و برکت زندگی از جانب پروردگار خواهد بود. اگر کسی از این زاویه به دنیا نگاه کند، نه نگران فقر خواهد بود و نه از حرص

و تکاثر دلهره خواهد داشت؛ زیرا که او طبق قواعد و قوانین عمل کرد، در عین حال اگر فقری به سراغش آمد، آن فقر، فخر است (نهج‌البلاغه، ص ۴۱۸) که پیشوایان دین آن را ستوده‌اند و اگر به مال و سرمایه‌های دست یافت، نه تنها فتنه‌های برایش نخواهد بود که زینت زندگی خواهد شد (نراقی، جامع‌السادات، ج ۲، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴).

با توجه به اینکه قناعت از دیرباز به دلیل توصیه امامان مورد سفارش صلحا و بزرگان بوده و نیز همچنین به دلیل جا افتادن فرهنگ‌های خرده فرهنگ‌های غلط از جمله: تجمل گرایی و چشم‌همچشمی و دامن زدن برخی رسانه‌ها بر این وضع بر آن شدیم که چند بررسی از قناعت و ثمرات آن در زندگی روزمره بنویسیم. در مورد قناعت بنده دو نقد را انجام داده‌ام نقد اول از کتاب نقطه‌های آغاز در خلاق عملی، تألیف آیت‌الله محمد رضا مهدوی کنی، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول: ۱۳۷۱، که به تعریف قناعت و آثار مثبت و منفی قناعت پرداخته است و نقد دیگر از کتاب اخلاق عملی به نگارش سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶، انتشارات مدیریت، که به اهمیت قناعت و آثار سوء قانع نبودن پرداخته شده است.

مفهوشناسی:

قناعت در لغت:

کلمه ی قناعت، از نظر ریشه لغوی از ماده «قَنع» گرفته شده که به معانی زیر آمده : راضی شدن، خرسندی، بسنده کردن، خشنودی نفس، خرسند گردیدن، راضی شدن به چیز کم و اندک، اکتفا نمودن به مقدار قلیل و ناچیز، به اندازه‌ی نیاز و قدر حاجت بسنده و صرف کردن، در حد ضرورت زندگی و مصرف کردن، در خرج و صرف مال و هر چیزی اندازه نگه داشتن، بسی نمودن و زیاده طلبی نداشتن. (فرهنگ نامه دهخدا، ۱۳۷۷؛ فرهنگ نامه معین، ۱۳۸۵).

قناعت در اصطلاح:

قناعت در اصطلاح شرعی، صفت و کلمه‌ای است که باعث خشنودی و راضی شدن و اکتفا کردن به چیز کم و نگهداری نفس از زیاده‌روی میشود و همان توجه و دقت داشتن به اینکه چیزی زیادتر از حد لزوم و مقدار معین شرعی و به قدر نیاز و اندازه و ضرورت، صرف و خرج نشود. و به اندک چیزی ساختن و کم و یا کمتر از حد کفاف مصرف کردن، به زندگی متوسط و ساده زیستی رو آوردن و قانعانه زندگی کردن و حتی به کمتر از حد خشنود بودن. قناعت در رفتار اقتصادی به معنای اکتفا کردن به اندک و ضد اسرافکاری است (رستگار جویباری، قناعت از دیدگاه امیرالمومنین (ع) ۱۳۸۱، ص ۱۱). و در تفسیر نمونه آمده: «قانع، به کسی میگویند که اگر چیزی به او بدهند قناعت میکند و راضی و خشنود میشود و اعتراض و ایراد و خشمی ندارد و «عفی‌النفس» و خوشتن‌دار است». (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ۱۳۷۱، ص ۱۰۸).

صحیح و نوین و مشروع و معقول و علمی، کاربردی و تدوین ضوابط و معیارهای صحیح قانونی، توأم با اندیشه و تعقل و با قدرت قاطعیت اجرایی از سوی نظام حکومت اسلامی و مسئولین و مردم میباشد.

ج) پیشگامی مسئولین در رفتار و رعایت عملی به «قناعتکاری» و صرفه جویی و «ساده زیستی» و پرهیز از اسراف، تبذیر، حیف و میل و تجملات زاید، اسوه و الگوی عملی و تعلیم سرمشق خوبی برای جامعه و مردم هستند، چون که مسئولین و حاکمان و کارگزاران و دانشمندان و افراد در حکومت اسلامی، سرمشق و الگو و نمونه و جلودار و راهنمای مردم هستند و از این رو، درست مصرف کردن و صرفهجویی و قناعت و عدم اسراف و زیادهروی باید سرلوحه کار و فعالیت و جزء وظایف اصلی و عملیشان باشد، زیرا که هرچه مردم در رفتار و کردار و اعمال و عملکرد مسئولین و کارگزاران و حاکمان نظام صرفه جویی و قناعت و ساده زیستی و پرهیزکاری و استفاده ی صحیح مصرف کردن از امکانات و سرمایه ها و نعمتها و بیتالمال را، بیشتر ببینند در صحنه ی عمل درست مشاهده کنند و مردم و جامعه را که با عمل صادقانه و رفتار درستشان به قناعتکاری و صرفه جویی دعوت کنند، در این هنگام و شرایط است که «فرهنگ صرفه جویی» و قناعت کاری جایگاه خود را بهتر و بیشتر و آسانتر باز میکند و زمینه ی قناعت و صرفه جویی و صحیح مصرف کردن، بهتر و همگانی تر فراهم میشود و قطعاً جامعه به سوی سربلندی و ترقی و تعالی پیشرفت و استقلال اقتصادی و فرهنگی و عدم وابستگی و کسب آزادی و رشد و شکوفایی مادی و معنوی پیش میرود (رستگاری، قناعت از دیدگاه امیرالمؤمنین، ۱۳۸۹، ص ۶۵).

قناعت از منظر روایات

قناعت در رفتار اقتصادی به معنای اکتفا کردن به اندک و ضد اسرافکاری است، باید توجه داشت که قناعت بار منفی ندارد، زیرا در تقابل با حرص و آزمندی و اسراف و زیادهروی است. چنان که قناعت در ادبیات و فرهنگ اسلامی به معنای ریاضت کشیدن و کم مصرف کردن نیست، بلکه مفهوم آن صحیح مصرف کردن است که در ادبیات اقتصادی امروز جهان با واژگانی نظیر بهرهوری، کارآیی، بهینهسازی مصرف و مانند آن بیان شده و به عنوان یک رفتار هنجاری و درست، مورد ستایش و تشویق است.

این صفت و فضیلت اخلاقی با تکرار تمرین در انسان به صورت ملکهای در میآید که باعث راضی شدن به چیز کم و نگه داشتن نفس از زیاده خواهی میشود. شریعت مقدس اسلام برای هر چیزی حکمی دارد که به افعال مکلفین تعلق میگیرد. همچنین در ارتباط با حوزه رفتار اقتصادی و مصرف نعمتها خواهان اجتناب از افراط و تفریط و نیز اسراف و تبذیر است. این گونه است که شریعت اسلام، حد و حدود هر چیزی را در مصرف مشخص معین کرده است. پس بر مکلف است تا بیشتر از آن حدی که معین شده و نیز بیشتر از حد لزوم، خرج نداشته باشد و هزینه نکند. به بیان دیگر میتوان گفت: قناعت، رضایت به کم در مصرف و حُسن تدبیر معاش بدون دوست داشتن زیاده از حد زندگانی است (برگرفته از مقالات).

در حقیقت امام علی علیهالسلام قناعت را بهره مندی از دنیا به اندازه کفایت و رفع نیاز میداند. ایشان در بیان ویژگی انسان قانع میفرماید: کسی که به اندازه کفایت زندگی، از دنیا بردارد به آسایش دست یابد و آسوده خاطر گردد در حالی که دنیا پرستی کلید دشواری و مرکب رنج و گرفتاری است (دستی، نهج البلاغه، ص ۷۴).

از نگاه آیین مقدس اسلام، حقیقت قناعت، بینایی نفس و جان است. بنابر آموزههای دینی، سرچشمه ی واقعی بینایی و نیازمندی، در نفس آدمی است. بنابراین بی نیازی، از روح قناعت پیشهی آدمی سرچشمه میگیرد، نه از انباشت ثروت، زیرا آن که چشم و دلش سیر نیست، هرچه از نعمتهای دنیا به چنگ آورد، باز هم احساس بی نیازی نخواهد کرد. (شیخانی، اسحاقی، سریر سخن، اخلاق برای همه، ۱۳۹۳، ص ۲۷۷).

انسان قانع، زندگیش را در امور مالی، در چهارچوب حلال و در امور نفسی و شهوانی، در چهارچوب پاکی و در امور اجتماعی، در چهارچوب حسن خلق نگاه میدارد. قناعت در نفس انسان، نتیجه تقوا و پیراستگی نفس را رذایل و آراستگی جان به محاور اخلاقی است. انسان قانع، از خطر بسیاری از گناهان محفوظ است و به بسیاری از حقایق متصل است و به این خاطر محسن است و محسن بنا به فرموده قرآن محبوب خداست.

قناعت از منظر قرآن:

واژه قناعت در آیه ۳۶ سوره حج به کار رفته است. خداوند میفرماید: «و اطعمواالقانع و المعتر»؛ قانع و معتر را اطعام دهید. در تفسیر مجمعالبیان آمده است: واژه «قانع» به مفهوم کسی است که به آنچه دارد و یا به او میدهند قناعت میورزد، و «معتر» آن کسی است که تقاضای کمک میکند. به باور برخی «قانع» کسی است که تقاضای کمک میکند، و «معتر» کسی است که خود به زبان، تقاضا نمیکند، اما خویشان را در شرایط کمک خواهی و اطعام قرار میدهد. از حضرت باقر و صادق علیهما السلام آورده اند که «قانع» کسی است که به هر چه به او دادی بسنده نماید و خشم نگیرد و روی ترش ننماید و چهره در هم نکشد، اما «معتر» کسی است که دست کمکخواهی به سوی دیگران میگذارد (طبرسی، تفسیر مجمعالبیان، ج ۱۶، ۱۳۸۵، ص ۲۱۷).

نتیجه گیری:

از این مقاله برداشت میکنیم که قناعت بهترین صفت پسندیده‌ای است که خدا خود برای انسانها قرار داده است قناعت یعنی به کم قانع بودن و در زندگی اعتدال داشتن است. در واقع قناعت صفتی است که با تکرار و تمرین در انسان به صورت ملکهای در میآید که باعث خشنودی و راضی شدن به چیز کم و نگهداشتن نفس از زیادهخواهی میشود و فضیلتها و آثار فراوانی دارد از جمله: ۱- عزت نفس ۲- رضایت خداوند ۳- بینیازی از مردم ۴- فضیلت اخلاقی ۵- شکر گزاری و... که انسان با بهره‌گیری از این آثار میتواند زندگی خود را سرشار از مهر و محبت خدا کند. واژه قناعت در آیات و روایات به چشم میخورد که هم خداوند و هم ائمه علیهما السلام سفارش به قناعت کرده اند که باعث خشنودی خدا میشود پس انسان باید راضی به قسمت خود باشد نه اینکه دست از تلاش و کوشش و فعالیت اقتصادی بر کشد پس قناعت هم صفت اخلاقی است و هم قناعت در رفتار اقتصادی معنا شده است یعنی به کم و اندک اکتفا کردن است و گفتیم که قناعت در همه ابعاد زندگی انسان است از جمله مصادیق قناعت در بیتالمال، صرفهجویی در منابع طبیعی و انرژیهای طبیعی است و صرفهجویی در خوراک، پوشاک، مسکن است. قناعت در جای جای زندگی انسان به کار میآید و انسان با استفاده درست از همهی نعمتهای که خدا به انسان داده میتواند بهترین زندگی را داشته باشد بدون حرص و آز و طمع.

منابع و مأخذ:

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- 1- مفید، محمدبن محمد، الارشاد، قم، بیجا، ۱۴۱۳ق.
- 2- آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و دررالحکم، بیتا.
- 3- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، قم، ۱۴۱۶.
- 4- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳.
- 5- حکیمی، محمدرضا، محمد، علی، ترجمه الحیاء، ترجمه : احمد آرام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- 6- دشتی، محمد، نهجالبلاغه، چاپ دوم، قم، نسیم حیات، ۱۳۷۹.
- 7- محمدریشهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم: محمدرضا شیخی، قم، نشر دارالحديث، ۱۳۸۵.
- 8- حرعاملی، محمدحسن، وسایل الشیعه، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
- 9- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- 10- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- 11- طبرسی، علیبن حسنبنفضل، مشکاتالانوار، قم، نشر حیدریه، ۱۳۸۵.
- 12- طبرسی، فضل، مجمع البیان، مترجم: سید ابراهیم میرباقری، نشر حیدریه، ۱۳۵۹.
- 13- قمی، عباس، سفینه البحار، قم، نشر أسوه، ۱۴۰۲ق.
- 14- مجلسی، محمدباقر، مرآةالعقول، تهران، بیجا، ۱۳۶۳.
- 15- نراقی، ملامهدی، جامعالسعادة، قم، انتشارات الزهراء، ۱۳۷۶.
- 16- ابی الحدید، شرح نهجالبلاغه، گردآورنده سیدرضی، بیتا، ۶۴۹ق.
- 17- عمید، حسن، فرهنگنامه عمید، نشر جاویدان، بیجا، ۱۳۰۸.
- 18- شیخانی، علی باقر، سید حسن، سریر سخن، اخلاق برای همه، قم، نشر هاجر، ۱۳۹۳.
- 19- رستگار جویباری، ولیالله، قناعت از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)، تهران، نشر زهد، ۱۳۸۱.
- 20- مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.

- 21- هیأت علمی سیاسی عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، اخلاق عملی، مدیریت انتشارات، ۱۳۷۶.
- 22- مصباح، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، نشر پارسایان، ۱۳۷۷.
- 23- فتحعلیخانی، محمد، علم اخلاق ۲، قم، نشر المصطفی، ۱۳۸۹.
- 24- معین، محمد، لغتنامه، تهران، انتشارات نامی، ۱۳۸۵.
- 25- برگرفته از مقالات (اینترنت).
- 26- www.tabyan.ir
- 27- www.nor macs